

نقشه‌نگاری و نظری به نقشه‌های قدیمی ایران*

دکتر سیروس علایی

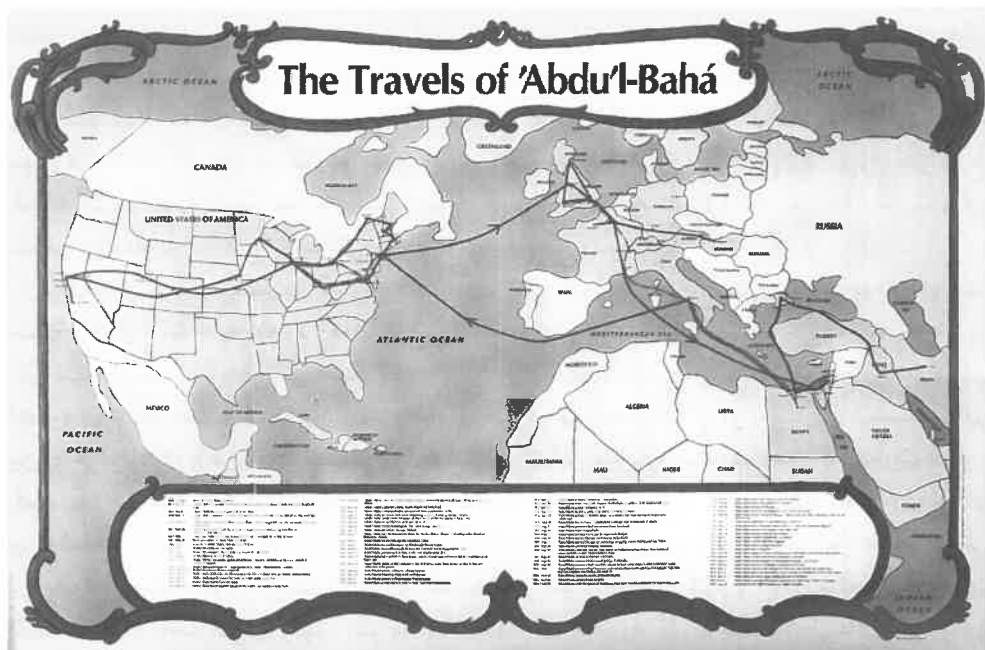
دوستانی که مرقد حضرت شوقی ربّانی^۱ را در لندن زیارت کرده‌اند، متوجه شده‌اند که ظاهر ساده این مرقد رموز پیچیده‌ای را در بر دارد. از جمله عقابی که معرف تیزبینی و اراده و قدرت و حرکت است، یا از فضائی بالا تازه فرود آمده و یا آماده پرواز به آسمانی برتر است. اما آنچه که شاید کمتر جلب توجه کرده باشد اینست که عقاب مزبور روی گوی سنگی که نقشه خشکی‌ها و دریا‌های زمین بر آن حک شده نشسته است، و محلّ تماس پنجه‌هایش با جهان‌نمای مذکور در حدود بحر متوسط (مدیترانه) و اراضی مقدّسه را نشان می‌دهد. این گره جغرافیائی جدا از آنکه بازگوی جهانی بودن رسالت حضرت شوقی ربّانی است، معرف توجه وافر حضرتش به نقشه‌های جغرافیائی نیز می‌باشد.

ممکن است به خاطر بعضی برسد که نقشه‌های جغرافیائی را چه ارتباطی با دین و روحانیات است؟ در جواب باید به دسته نقشه‌هایی اشاره کرد که «مذهبی» نامیده می‌شود. در سابق نقشه‌نگاری را «علم و هنر ترسیم مشخصه‌های فیزیکی گره زمین»^۲ می‌دانستند. در چند دهه، اخیر این رشته مفهوم وسیع‌تری یافته و علاوه بر نقشه‌های زمینی که شامل قبله‌نماها و راهنماهای حج نیز می‌باشد، تصاویر فلکی و نمودارهای نجومی مذهبی را هم در بر گرفته است.^۳ استفاده از نقشه به مفهوم و معنی وسیع بالا در نسخه‌های کتاب انجیل از عهد عتیق و عهد جدید، چه دستنویس و چه چاپی، از قدیم رایج بوده، و درک وقایع تاریخی و تجسم بعضی مطالب کتاب مقدّس به این وسیله آسان‌تر شده است.^۴ در دنیای اسلام نقشه‌های مذهبی مانند قبله‌نماها و راهنماهای حج و اسطرلابها و زیچ‌هایی که طول مدت روزه را به دست می‌دهند، از ابتداء مرسوم بوده، و نقشه‌های دیگر نیز هریک به نوعی از ارزش‌های مذهبی متأثر شده، چه یکی از اهداف اصلی نقشه‌نگاری اسلامی تثبیت و تداوم مذهب رسمی بوده است.^۵

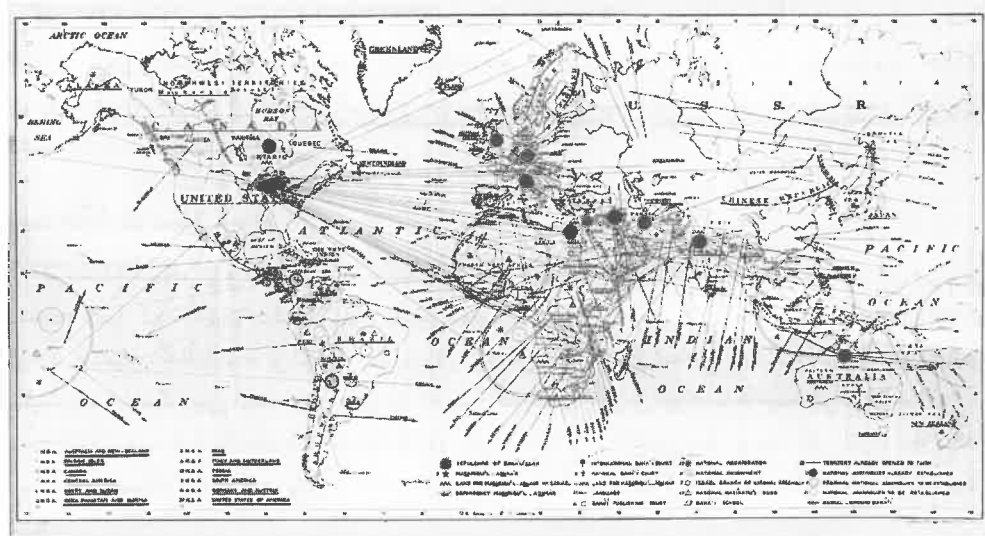
* خلاصه، بخشی از سخنرانی نویسنده که در «دوره ورقا» (سپتامبر ۱۹۹۲ م.) در آکادمی لندگ (سویس) ایراد گردیده است.

حضرت شوقی ربّانی اهداف مهمّ طرح تبلیغی ده ساله و مسیر حرکت مهاجرین و وظائف جامعه‌های مختلف بهائی را در وصول به این اهداف، روی یکی از نقشه‌های دنیا منعکس فرموده‌اند، و به این ترتیب نقشه جدیدی بوجود آورده‌اند که اصطلاحاً «نقشه جریانی» (Flow Map) نامیده می‌شود، چه جریان حرکت مهاجرین را از نقاطی به نقاط دیگر نشان می‌دهد. این نقشه مهم‌ترین، و شاید تنها نقشه مهمی است، که در یکصد و پنجاه سال اول امر به عنوان یک نقشه بهائی ترسیم شده (تصویر ۱) و به ابعاد ۵۱ × ۹۸ سانتی‌متر - با حاشیه ۵۷ × ۱۰۰ سانتی‌متر - در سال ۱۹۵۲ به وسیله آرتی گرافیش کاستی (Arti Grafiche Casetti) در شهر رُم ایتالیا به چاپ رسیده و پیوست طرح تبلیغی ده ساله گردیده است. این سند در آینده آیام از نظر تاریخ نقشه‌نگاری در امر بهائی، اهمیّت خاصی خواهد داشت و لذا توصیه بنده به نفوسی که نسخه‌ای از آن را دارند این است که در حفظ آن کوشا باشند.

جز نقشه بالا، تعدادی نقشه نیز که مسیر سرگونی‌ها و سفرهای حضرت باب و حضرت بهاء‌الله و حضرت عبدالبهاء را نشان می‌دهد، پیوست بعضی از کتابهای امری مانند بدایع الآثار است،^۶ و یا آنکه جداگانه طبع و نشر گردیده است. برای مثال می‌توان نقشه‌ای را نام برد که در سال ۱۹۹۲ م. از طرف محفل روحانی ملّی‌هاوائی به ابعاد ۵۶ × ۸۴ سانتی‌متر در هُنگ کُنگ به طبع رسیده و شامل مسیر و جدول کامل سفرهای حضرت عبدالبهاء از بدو تولّد تا خاتمه حیات مبارک است (تصویر ۲). در این نقشه کشورهای که محلّ سکونت یا گذر حضرتش بوده به رنگ صورتی نموده شده، جز کانادا که به اشتباه به رنگ زرد زمینه باقی مانده است. مسیر خطّی سفرهای سه‌گانه حضرت عبدالبهاء - سرگونی‌های طهران تا عکّا، سفر اول غرب به اروپا، سفر دوم غرب به امریکا و اروپا - نیز هر یک به رنگی دیگر مشخص شده است. هرچند در بعضی از انتشارات امری در غرب مانند کتابهای عالم بهائی، گه‌گاه از نقشه‌های جغرافیائی استفاده شده است، در سرجمع باید قبول کرد که نویسندگان بهائی، به ویژه در شرق، در انتقال وقایع تاریخی و گزارش‌های آماری کمتر از نقشه سود جسته‌اند، و گویا اعتنائی به این رسانه مهم ارتباطی ندارند. در اهمیّت این رسانه روزنامه تایمز لندن می‌نویسد که «بشر برای ارتباط بین افراد خود سه رسانه مهمّ زبان و موسیقی و نقشه را بوجود آورده است، و از آن میان نقشه به مراتب قدیمی‌تر است.»^۷ هدف و امید نگارنده از این بحث آنست که توجه نویسندگان بهائی و به ویژه فارسی‌نویسان به اهمیّت این رسانه جلب شود، و استفاده از نقشه هر کجا که ممکن و مفید باشد، در نشریات امری به تدریج متداول گردد. فرامین تبلیغی حضرت عبدالبهاء و طرح‌های مهاجرتی محلی و جهانی جامعه بهائی، چه در دوران ولایت و چه بعد از آن، با جغرافی آمیخته است، و ترجمه فارسی واژه جغرافی جز زمین‌نگاری و نقشه نیست. عقیده بسیاری از اهل فنّ بر آنست که جغرافی از نقشه شروع شده و سپس نقشه‌نگار در توضیح آن شرحی نگاشته و این شرح به تدریج به تفصیل گرائیده، و گاهی چنان مقبولیّت یافته است که در نسخه‌های بعدی سبب حذف نقشه گردیده و جغرافی بیانی را بوجود آورده است. برای مثال می‌توان از حاجی میرزا حسن فسائی یاد کرد که در سال ۱۲۷۴ ه. ق. (۱۸۵۷ م.) به مسافرت‌های متعدّدی در استان فارس



نقشه مسیر سفرهای حضرت عبدالبهاء به اروپا و امریکا
 بوسیله محفل روحانی ملی هاوانی - چاپ هونگ کونگ ۱۹۰۳



نقشه ده ساله - تنظیم حضرت ولی امرالله - چاپ رم - ۱۹۰۳ میلادی

دست زد و اطلاعات جغرافیائی وسیعی گرد آورد، و بر آن اساس نقشه‌ای ترسیم نمود که در سال ۱۲۹۳ هـ. ق. (۱۸۷۶ م.) به حضور شاه قاجار ارائه شد. شاه که از ملاحظه نقشه مسرور شده بود دستور داد که وی شرح جامعی نیز در توضیح نقشه بنگارد. توضیح مفصل میرزا حسن تحت عنوان *فارسنامه* ناصری جداگانه و بدون نقشه طبع و منتشر گردید، در حالی که چیزی جز شرح نقشه فارس نبوده است. نقشه، میرزا حسن در سال ۱۳۱۳ هـ. ق. (۱۸۹۵ م.) به صورت ورقی مستقل به ابعاد ۱۲۵ × ۱۸۲ سانتی‌متر در طهران به طبع رسید.

برای بیان اهمیت نقشه در گزارش‌های آماری کافی است به تعداد ممالکی که امر بهائی در آنها مستقر شده است اشاره شود. شماره، این کشورها در سال ۱۹۹۲ م. یکصد و هشتاد و هشت ذکر شده است.^۸ ارزیابی این عدد برای خواننده عادی مشکل است، چه او از تعداد کل کشورهای جهان اطلاع درستی ندارد، و فرصتی نیز برای کسب اطلاع در اختیار او نیست. بنا بر این او نمی‌تواند در ذهن خود اهمیت این عدد را بر اساس مقایسه مشخص کند. به عبارت دیگر، رقم مزبور به خواننده عادی که به سرعت مشغول مطالعه است سودی نمی‌رساند. حتی اگر بجای این رقم عدد نادرستی، مثلاً بزرگتر از شماره کل کشورهای جهان قرار داشت، باز عکس‌العملی در چهره خواننده ظاهر نمی‌شد. اما اگر نقشه‌ای از جهان ترسیم کنیم و ۱۸۸ کشور را روی آن نقشه به رنگ مخصوصی بیارائیم، نظر به اینکه سطح آن کشورها تقریباً تمام خشکی‌های زمین را در بر می‌گیرد، اثری فوری و قطعی روی خواننده می‌گذارد و او را قانع می‌کند که امر بهائی عملاً سراسر جهان را فرا گرفته است. نقشه مزبور پایه، مقایسه را که وسعت کل خشکی‌ها باشد در خود دارد، و لذا عمل سنجش آسان و آنی است. حتی سرعت گسترش امر را در جهان می‌توان با استفاده از رنگ‌های مختلف برای دوران‌های متفاوت، در همان لحظه به ذهن خواننده منتقل کرد. آنچه کتاب تاریخ جمله به جمله و صفحه به صفحه در طی مدت طولانی و متدرجاً به ذهن منتقل می‌کند، نقشه تاریخی (Historical Map) در یک آن در مقابل خواننده می‌گذارد و به او فرصت تفکر و تأمل و نتیجه‌گیری می‌دهد، چه خواننده می‌تواند به دلخواه و در کمترین مدت با حرکت چشم به هر گوشه‌ای از نقشه برگردد و مجدد و مکرر کسب اطلاع کند، کاری که در کتاب به دشواری میسر است.

نقشه‌نگاری سنتی ایران

مردم فلات ایران و سرزمین‌های وابسته از دوران باستان به نقشه توجه داشته‌اند. قدیمی‌ترین نقشه دنیا که تاکنون کشف شده، نقشی است که روی لوحه‌ای گلی، حدود ۲۳۰۰ سال قبل از میلاد مسیح، حک شده، و لوحه مزبور در کاوش‌های باستان‌شناسی در سرزمین قدیم بابل به دست آمده است. این نقشه سرزمینی را که بین کوه‌های زاگرس ایران و ناحیه کرکوک عراق قرار دارد نشان می‌دهد. متأسفانه از نقشه‌نگاری قبل از اسلام ایران جز چند لوحه گلی اثری بجا نمانده است، ولی مسلم است که روش و دانش آن دوران در نقشه‌نگاری ایران بعد از اسلام مؤثر بوده است.

قرن هشتم تا چهاردهم میلادی (دوم تا هشتم هجری قمری) را دوران شکوفایی «مکتب جغرافی سنتی ممالک اسلامی» خوانده‌اند. نقشه‌نگاران ایرانی در این دوران، چه از نظر کمیّت کار و چه از نظر کیفیت آن، نقش اصلی را به عهده داشته‌اند. اولین نقشه‌ای که در جهان اسلام شناخته شده منطقه، دیلم را در جنوب بحر خزر نشان می‌دهد.^۶ این نقشه در سال ۷۰۲ م. (۸۳ ه. ق.) برای حجاج بن یوسف، امیر بخش شرقی دنیای اسلام، تهیه شده و به احتمال قوی اثر نقشه‌نگاران ایرانی بوده است. جهان‌نمای مأمون موسوم به «صورة المأمونیه» در «بیت الحکمة» بغداد با کمک دانشمندان ایرانی ترسیم شده و طبق شرحی که مسعودی در کتاب التنبیه و الإشراف آورده است، دنیای معلوم آن زمان را با سپهران و ستارگان و خشکی‌ها و دریاها و مناطق مسکون و غیرمسکون و آبادی‌ها و شهرها نشان می‌دهد. به گفته مسعودی این نقشه از نقشه‌های بطلمیوس و به طور کلی از آنچه قبلاً موجود و مورد استفاده بوده بسی فراتر رفته است.^{۱۰}

بعضی نقشه‌نگاران مقدّم جهان اسلام مانند موسی خوارزمی (قرن نهم میلادی - سوم هجری قمری) تحت تأثیر یونانیان، جهان معلوم آن زمان را به هفت نوار آب و هوایی تقسیم می‌کردند، و جغرافی خود را در شرح این مناطق می‌نوشتند، و تفاوت مهمی که با یونانیان داشتند این بود که نقشه و جغرافی خود را به جهان اسلام محدود می‌ساختند. در مقابل این مکتب، دیگر نقشه‌نگاران ایرانی، و مقدّم بر همه ابن خردادبه (۸۲۰ تا ۹۱۱ م. - ۲۰۵ تا ۲۲۹ ه. ق.) و ابو زید بلخی (۸۵۰ تا ۹۲۴ م. - ۲۳۶ تا ۳۲۳ ه. ق.) مکتب جدیدی بوجود آوردند که متأثر از روش‌های ایران قبل از اسلام بود و با مکتب یونان به کلی تفاوت داشت. آنان جهان مسکون را به هفت منطقه اصلی جغرافیائی که به فارسی «کشور» و به عربی «اقلیم» نامیده شده تقسیم نمودند، و کتب خود را در شرح این نواحی نگاشتند و از تقسیم‌بندی آب و هوایی احتراز جستند. این روش ایرانی که به مکتب بلخی مشهور شد، به تدریج بر روش یونانی غلبه یافت و پایه جغرافی امروز جهان شد. متأسفانه کتاب مسالک و ممالک ابن خردادبه و کتاب صور الاقالیم (یا تقویم البلدان) بلخی به صورت اصلی باقی نمانده است، ولی ابو اسحق اصطخری (قرن دهم میلادی - چهارم هجری قمری) معروف به فارسی که بزرگ‌ترین جغرافی‌دان و نقشه‌نگار ایرانی آن دوران محسوبست، محتوای هر دو کتاب را در مسالک و ممالک خود آورده، و برای هر یک از بیست اقلیم ثانوی نقشه‌ای پیوست کتاب خود کرده، و نقشه‌ای نیز از جهان معلوم آن زمان ترسیم نموده است. نسخه‌های دست‌نویس چندی از کتاب اصطخری محفوظ مانده که در کتابخانه‌ها و موزه‌های معروف دنیا نگهداری می‌شود. بخشی از این کتاب در قرن پنجم یا ششم هجری قمری به وسیله مترجمی گمنام به فارسی برگردان شده، و همین ترجمه است که به اهتمام ایرج افشار در سال ۱۳۴۷ ه. ش. در طهران به چاپ رسیده است.

در این مقاله، مختصر فرصتی برای ذکر دیگر نقشه‌نگاران ایرانی نیست، و بهتر است برای اینکه نمونه‌ای از نقشه‌های سنتی ایران به دست داده شود، به جهان‌نمای زکریا قزوینی توجه کنیم. زکریا عمادالدین قزوینی، کیهان‌شناس و جغرافی‌دان بنام ایرانی، در سال ۱۲۰۳ م. - ۶۰۰ ه. ق. در شهر قزوین متولّد شد. او در جوانی به دمشق کوچ کرد و در آنجا چند گاهی به تحصیل علوم

اشتغال داشت و در همین شهر با حکیم شهیر صوفی محیی الدین ابن عربی ملاقات کرد. سپس رهسپار عراق عرب شد و ضمن سفرهایش با بسیاری از کیهان‌شناسان و جغرافی‌دانان وقت محشور گشت، و مورد حمایت عطا ملک جوینی مورخ و سیاستمدار ایرانی قرار گرفت. وفات قزوینی تقریباً همزمان با درگذشت جوینی در سال ۱۲۸۲ م. - ۶۸۲ ه. ق. واقع شده است. از زکریا قزوینی دو اثر مهم بجای مانده است. اول کتاب عجائب المخلوقات و غرائب الموجودات که مربوط به کیهان‌شناسی است و دیگر کتاب آثار البلاد و اخبار العباد که مربوط به جغرافیاست.^{۱۱} از قزوینی جهان‌نمای جالبی باقی مانده که اجزائی از هر دو مکتب یونانی و ایرانی نقشه‌نگاری را در بر دارد. تصویر ۳ از نسخه دست‌نویس کتاب عجائب المخلوقات رونویسی سال ۱۶۲۲ م. گرفته شده است. اصل این کتاب در کتابخانه پژوهشی گوتا در آلمان (Forschungsbibliothek Gotha) محفوظ است. مشخصه‌های اصلی این نقشه به شرح زیر است:

۱- جنوب در بالای نقشه و شمال در پائین قرار دارد. باید توجه داشت که در قرون وسطی^۱ بیشتر مردم در نواحی گرمسیر زندگی می‌کردند، و در نیم‌کره شمالی توجه مردم به جنوب گرم و پُر آفتاب بود. شاید به همین ملاحظه اکثر نقشه‌نگاران اسلامی جنوب را مهم‌تر دانسته و در بالای نقشه قرار داده‌اند.

۲- نقشه، قرن سیزدهم میلادی قزوینی متأثر از مکتب جغرافیائی قرن دهم میلادی بلخی است. آفریقا با مقیاسی بزرگتر ترسیم شده و سراسر نیمه بالا و ربعی راست پائین نقشه را پوشانیده است. اروپا با مقیاسی کوچکتر ظاهر شده و در قسمت کوچکی از ربعی راست پائین قرار گرفته است. آسیا تقریباً تمامی ربعی چپ پائین را اشغال کرده است. آنچه در اینجا قابل توجه است اینست که در جغرافیای اسلامی تقسیم جهان به قاره‌های اروپا و آفریقا و آسیا معمول نبوده است، و بنا بر این اثری از نام این قاره‌ها در نقشه نیست.

۳- رودخانه نیل که در اسلام و ادیان سامی اهمیت خاصی دارد از مشخصه‌های مهم و اصلی نقشه است. این رودخانه از جبل قمر در اواسط آفریقا سرچشمه می‌گیرد و به طرف غرب روان می‌شود. سپس با تغییر جهتی قائمه به طرف شمال سرازیر می‌گردد و به دریای روم (مدیترانه) می‌ریزد.

۴- مشخصه مهم دیگر نقشه بحر محیط است که پیرامون جهان معلوم آن عصر را فرا گرفته و از آن دو دریای مهم بحر فارس (اقیانوس هند کنونی) و بحر روم (مدیترانه) به داخل خشکی‌ها منشعب شده است. یونانیان تصور می‌کردند که بحر فارس و بحر روم از راه دریا به یکدیگر مرتبط نیستند. اشتباه آنان را دیگر دانشمندان ایرانی ابوریحان بیرونی تصحیح نمود. او دریافت که بحر فارس از راه جنوب و ماورای آفریقا به بحر روم مربوط است.

۵- قزوینی به پیروی از مکتب یونان که دنیا را محاط در قاره‌ای ناشناخته (Terra Incognita) می‌دانست، جبل قاف را حول بحر محیط قرار داده است. به گفته یاقوت، قاف کوهی است افسانه‌ای که نام آن در قرآن آمده، و مفسران آن را کوهی می‌دانند محیط بر زمین، و گویند که از زبرجد است و سبزی آسمان از رنگ اوست و آن اصل و اساس همه کوه‌های زمین است.^{۱۲} از این



نقشه ایران در دوره صفویه - از اطلس بزرگ هلا - چاپ هلند - قرن ۱۷ میلادی



نقشه ایران در دوره صفویه - اطلس جهانی اسپید - چاپ انگلستان - قرن ۱۷ میلادی

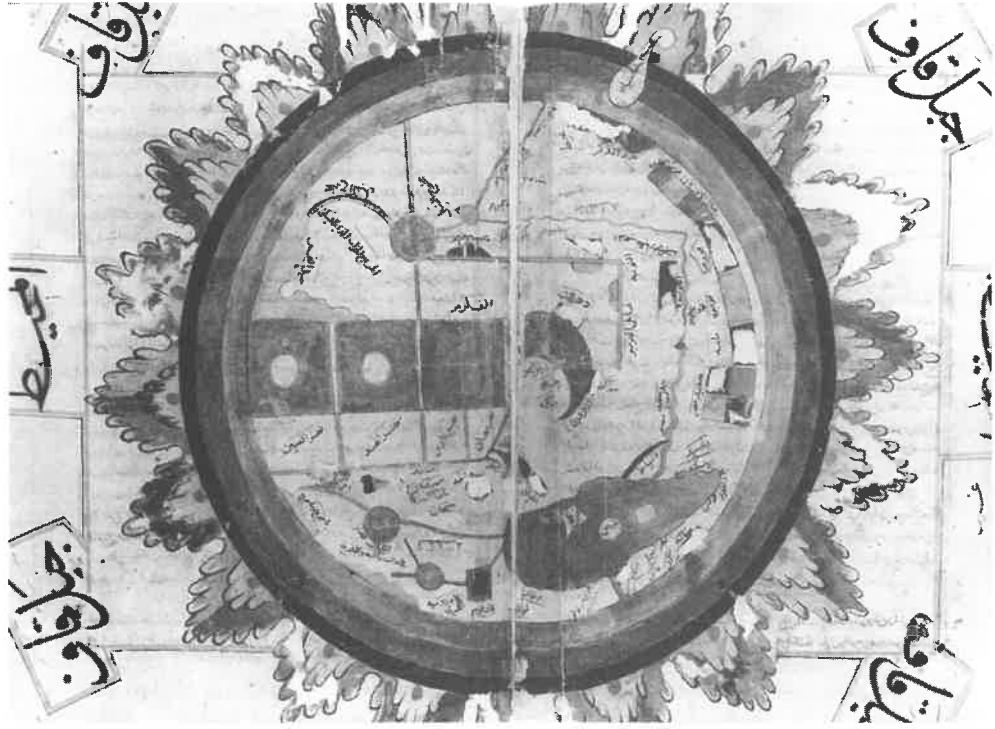
کوه چشمه، زندگی (عین الحیات) به بحر محیط جاری است.

۶- شبه جزیره عربستان به صورت نیم‌دایره در نقشه ترسیم شده و دریای سُرخ به صورت سرقلایی آن را احاطه کرده است. حجاز کاملاً در وسط نقشه قرار دارد و جای بیت المقدس را که مسیحیان در وسط نقشه قرار می‌دادند و مرکز عالم می‌شمردند گرفته است. جدّه و مکه را می‌توان به آسانی دید، در حالی که بیت المقدس به کلی از نقشه حذف شده است و این ناشی از تأثیر ملاحظات مذهبی در نقشه‌نگاری اسلامی است. چین و هند و ایران (فارس) و عراق و سمرقند و یاجوج و ماجوج و قسطنطنیه و بلاد روسیه و بلاد روم و پرتقال و اندلس (اسپانیا) و جزیره قبرس و مراکش و الجزیره و تونس و اسکندریه و مصر و یمن و سرزمین قبائل بربر و حبشه و معادن ذهب (طلا) در آفریقا و بعضی نواحی دیگر در این نقشه مشخص شده است. برخی از این کشورها مانند چین و هند و ایران به صورت مربع ساده‌ای نموده شده است^{۱۲} بدون آنکه اطلاعات بیشتری روی نقشه منعکس شده باشد. علت آنست که در نقشه‌نگاری اسلامی توضیحات مندرج در کتاب جغرافیا یا سفرنامه، مکمل و متمم نقشه است. به بیان دیگر، نقشه‌نگاران اسلامی و از جمله ایرانی هرگز نخواسته‌اند تمام اطلاعات جغرافیائی موجود را که در کتاب خود آورده‌اند، روی نقشه منتقل نمایند، و در این مورد روش ایشان با غربیان کاملاً متفاوتست. بنا بر این برای آگاهی از فاصله‌ها و وسعت کشورها و اطلاعات دیگر جغرافیائی باید به متن کتابهای نقشه‌نگاران مراجعه شود.

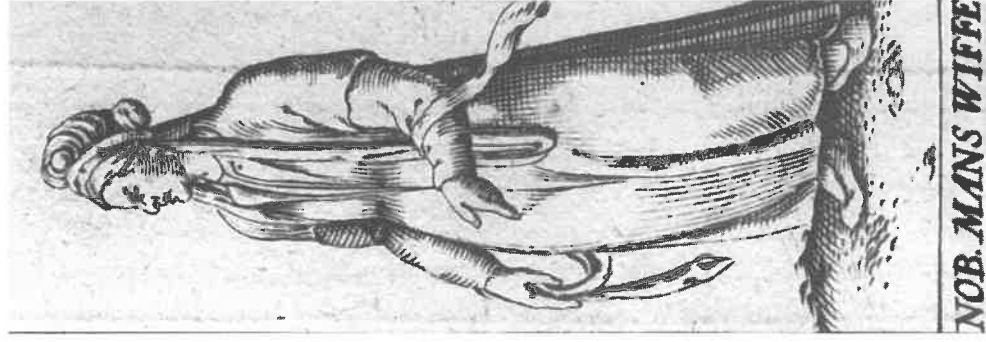
نقشه‌های اروپائی ایران

تعداد نقشه‌های اروپائی ایران که از سال ۱۴۷۷ م. ۱۴ به بعد چاپ شده بسیارست، و تاکنون فهرست جامعی از این نقشه‌ها تهیه نشده است. در این مقاله، کوتاه تنها به ذکر يك نقشه، هلندی و يك نقشه، انگلیسی که در قرن هفدهم میلادی ترسیم شده اکتفا می‌شود.

نقشه‌نگاران هلند بزرگ از اواخر قرن شانزدهم میلادی تا اواخر قرن هجدهم میلادی مدتی نزدیک به دویست سال، درخشش بی‌نظیری داشتند. مرکاتور (Gerard Mercator) نقشه‌نگاری را بر اساس جدید علمی استوار کرد و روش او در ترسیم سطح کره روی صفحه، مسطح تاکنون نیز مرسوم است. اورتلیوس (Abraham Ortelius) را مخترع اطلس جغرافیائی به معنای مجموعه‌ای از نقشه‌های هم‌آهنگ، از نوعی که امروزه همه جا مورد استفاده است، دانسته‌اند. او در سال ۱۵۷۰ م. در اولین اطلس جامع خود نقشه جدیدی از ایران دوران صفویه به چاپ رسانید، و شرحی در توصیف و تمجید ایرانیان در پشت نقشه طبع کرد. از جمله نوشت که «ملت ایران طبعاً آقامنش و محترم است. این ملت بسیار متمدن و مؤدب است و علوم انسانی و آموختن دانش را دوست می‌دارد.» نقشه‌نگاران خانواده بلا (House of Blaue) در چند نسل متوالی، نقشه‌نگاری کلاسیک اروپائی را به اوج خود رسانیدند و علم و هنر را در نقشه‌های خود به هم آمیختند. نقشه‌های بلا در حال حاضر از نظر هنری و اسطوره‌شناسی و مردم‌شناسی بیش از محتوای جغرافیائی آن مورد توجه است. اطلس بزرگ بلا در قرن هفدهم میلادی با حدود ۶۰۰ نقشه در نه



جهان خای زکریای قرونیی - قرن ۷ ه. ق. (قرن ۱۳ م.) از کتاب وعیان المخلوقات، دست نویس سال ۱۰۳۲ ه. ق. (۱۶۲۲ م.) کتابخانه گوتا



بانومی از اشراف ایران
جزئی از نقشه اسپید - قرن ۱۷ میلادی

تا دوازده جلد به قطع بزرگ با کاغذ مرغوب و چاپ عالی و رنگ و تذهیب دستی و جلد چرمی منتشر و زینتبخش تالارهای پذیرائی سلاطین و اعیان و اشراف اروپا شد. میهمانان در پذیرائی‌های رسمی ساعت‌ها با تماشای این اطلس که گرانباترین کتاب چاپی قرن هفدهم میلادی نامیده شده، سرگرم بوده‌اند. در این اطلس نقشه، جالبی از ایران موجود است (تصویر ۴) که عنوان آن «ایران یا قلمرو پادشاهی صفوی» است. در تصویری که عنوان نقشه را حاوی است، شاه عباس کبیر به حالت ایستاده با دو تن از ملازمان و یا سربازان خود دیده می‌شود و به نظر می‌رسد که نقشه‌نگار به ایران سفر نموده و پادشاه و سربازان را در لباس مخصوص دیده و نقاشی کرده است.

در انگلستان در همان قرن هفدهم میلادی نقشه‌نگار معروف دیگری موسوم به اسپید (John Speed) در اطلس جهانی خود در سال ۱۶۳۱ م. نقشه، جدیدی از ایران منتشر نمود (تصویر ۵) که از نظر مردم‌شناسی از نقشه، بلا برتر است، چه نه تنها مناظری از چهار شهر اصفهان و هرمز و تبریز و گیلان (شاید منظور رشت باشد) را در حاشیه، بالا نشان می‌دهد، در دو حاشیه، طرفی حاوی تصاویری از زن و مرد اشرافی و شهری و روستائی ایران است. از این تصاویر از جمله برمی‌آید که در آن زمان چادر تمام قد در میان بانوان مرسوم نبوده است (تصویر ۶) و محدود نمودن زنان در چادرهای قدی مربوط به بعد از آن تاریخ و شاید زمان قاجاریه باشد.

یادداشت‌ها

۱- عنوان ساده «حضرت شوقی ربّانی» که در این مقاله و سایر مقالات نگارنده آمده است، مأخوذ از بیان حضرتش می‌باشد که فرموده‌اند:
 «رجای اخیرم آنست که در مراسلات و مذاکرات احبای الهی جز به «شوقی افندی» مرا مخاطب نسازند. فخر و مباهات این عید به این نام است و بس، چه که از فم اطهر صادر می‌گشت و در نظرم از هرگونه اسم و لقبی عزیزتر و شیرین‌تر و شریف‌تر است و همچنین احترامات فائقه و تعظیم و تکریم از هر قبیل مخالف و مباین حال و ثمنای این عید است» (دور بهائی، دهلی نو، ۱۱۴ ب.، ص ۷۱ و نیز دور بهائی، لانگنهاین، ۱۹۸۸ م.، ص ۸۵).

2- *Encyclopaedia Britannica*, 1981, vol. 2, p. 600.

3- Harley and D. Woodward, *The History of Cartography*, The University of Chicago Press, Chicago 1987, vol. 1, p. xv.

4- C. Delano Smith and E. Moreley Ingram, *Maps in Bibles 1500 -1600*, Librairie Droz SA, Geneva 1991.

۵- سیروس علائی، «نقد بر کتاب تاریخ نقشه‌نگاری- جلد ۲، دفتر اول- نقشه‌نگاری در جامعه‌های سنتی اسلامی و جنوب آسیا»، مجله ایران شناسی، سال پنجم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۲ (۱۹۹۳)، بنیاد کیان، راکویل، امریکا.

۶- محمود زرقانی، بدایع الآثار فی اسفار مولی الاخیار الی ممالک الغرب بالعرّة و الاقتماد، بمبئی، دو جلد، ۱۹۱۴ و ۱۹۲۱ م.

7- *The Times*, 14 October 1992, No. 64463.

8- *The Bahá'í World 1992-93*, Bahá'í World Centre Publications, Great Britain, p. 311.

- ۹- ابن فقیه، کتاب البلدان، به اهتمام دوگوژ (M.J. de Goeje)، نشر بریل (E.J. Brill)، لایدن، چاپ اول، ۱۸۸۵ م.، چاپ اخیر ۱۹۶۷ م.، جلد پنجم، ص ۲۸۳.
- ۱۰- ابوالحسن علی مسعودی، التنبیه و الإشراف، به اهتمام دوگوژ، نشر بریل، لایدن، چاپ اول ۱۸۹۴ م.، چاپ اخیر ۱۹۶۷ م.، جلد هشتم، ص ۳۳.
- ۱۱- برای شرح حال کامل زکریا قزوینی به مقاله نگارنده در مجله ایران شناسی، سال پنجم، شماره ۳، پائیز ۱۳۷۲ ه. ش. (اکتبر ۱۹۹۳ م.)، بنیاد کیان، راکویل، امریکا، صص ۵۲۶-۵۳۶ مراجعه شود.
- ۱۲- دکتر محمد معین، فرهنگ فارسی، انتشارات امیرکبیر، طهران، ۱۳۶۴، جلد ششم، ص ۱۴۳۲، به نقل از معجم البلدان یاقوت حموی.
- ۱۳- «نهر» در این نقشه به معنای منطقه و سرزمین است، مثلاً منظور از نهر الصّین سرزمین چین است.
- ۱۴- بعد از اختراع چاپ توسط گوتنبرگ، کتاب جغرافیای بطلمیوس و نقشه‌های آن و از جمله نقشه ایران برای اولین بار در سال ۱۴۷۷ م. در شهر بولونیا- ایتالیا به طبع رسید.